بيانات معظم له در جمع مردم مشهد و زائران حضرت علی بن موسی الرضا (ع) - 4 /فروردين/ 1375

بسم اللّه الرّحمن الرّحيم
الحمدللّه رب العالمين. والصّلاة والسّلام علي سيدنا و نبينا ابي القاسم محمد و علي آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين. الهداة المهديّين المعصومين. سيما بقيةاللّه في الارضين.
شروع سال جديد در زير سايه نوراني مرقد مطهّر حضرت ثامن الائمه عليه آلاف التحيّة والثّناء، توفيقي براي همه ماست. چه مردم عزيز مشهد كه در طول سال هم از اين نعمت بزرگ برخوردارند و چه زوّار مشتاق و علاقه مندي كه از شهرها و مناطق ديگر عاشقانه تشريف آورده اند. حضور در اين مرقد مطهّر و زير سايه اين پايگاه نوراني، معنوي و الهي، فرصتي است كه همه ما بتوانيم به وظايفي كه به طور معمول، مخصوص شروع سال است، توجّه كنيم.
وظايفي كه مربوط به مقاطع است و از جمله مقاطع براي همه ملتها و كشورها، مقطع سال است كه شمارش تاريخ، زندگي و عمر خود را با حساب آن مقطع انجام مي دهند.
اين نكته را همين جا بگويم كه ما مردم ايران، تنها ملتي هستيم كه هم مبدأ تاريخ قمري و هم مبدأ تاريخ شمسي را براساس هجرت نبي مكرّم اسلام قرار داده و محاسبه مي كنيم. آغاز سال قمري، اوّل ماه محرم است كه بقيه ملتهاي مسلمان هم در محاسبه ماههاي قمري، با ما شريكند ؛ ولي براي حسابهايي كه لازم است سر راست و مضبوط باشد، بقيه ملتهاي مسلمان، از سال ميلادي مسيحي استفاده مي كنند و تنها ملت ماست كه از سال شمسي استفاده مي كند كه آغاز آن نيز هجرت پيغمبر است. يعني در واقع عيد نوروز كه اوّل سال شمسي است، يک سال ديگر بر هجرت پيغمبر و هجرت بزرگ اسلامي و پيدايش حكومت اسلامي اضافه مي شود. سال شمسي ما هم هجري شمسي است و اين افتخار ملت ايران است. البته اين مسأله از سابق هم بوده است و مربوط به سالهاي اخير نيست ؛ كه اين خود علاقه مندي اين ملت بزرگ را به مسائل اسلامي، حتّي در امر تاريخ نشان مي دهد. يكي از وظايف اوّل سال اين است كه هر كسي به حالات و حساب خود - هم حساب شخصي، هم حساب عمومي، هم شخص، هم جماعت مثل يک ملت - رسيدگي كند. اين بهانه خوبي است كه انسان به پشت سر خود برگردد و غفلتهايي را كه انجام داده است، كوتاهيها و كارهاي ناشايستي كه از او سر زده است و همچنين كارهاي خوب خود را يک بار ديگر مشاهده كند. يعني، برادران و خواهران عزيز من! همه ما بايد عادت كنيم كه هر سالي كه نو مي شود، به مناسب اوّل سال، به گذشته يک ساله خود يک نگاهي بكنيم. هر يک از نقاط مثبت و منفي، به ما پيامي مي دهند.
من در آغاز سال نو، در پيامي به ملت عزيز ايران و ديگران، مطالبي را عرض كرده ام. در آن پيام رؤوس آنچه را كه راجع به سال گذشته به نظر مي رسيده است، به اجمال گفته ام. آنچه را هم كه من توقّع دارم ملت عزيزمان به آن توجّه كند، في الجمله و به اختصار بيان كرده ام. امروز نيز چند مطلب را پيرامون مسائل اساسي كه در سال گذشته و در اين ايام و در سالي كه شروع شده است و براي ملت ما حائز اهميت است، عرض مي كنم:
مطلب اوّل مربوط به شما مشهديهاي عزيز و مؤمن است كه لازم است بگويم تا همه بدانند. ما براي انتخاباتي كه گذشت، از همه ملت ايران تشكر كرديم ؛ چون اقبال به انتخابات خيلي خوب بود. اما بايد از مردم مشهد يک تشكر ديگر هم به طور ويژه بكنيم، چون رشد شركت در انتخابات در مشهد، نسبت به دوره قبل آن - بر اساس گزارشي كه به من داده اند - در حدود پنجاه درصد است. خيلي رقم بالايي است كه خبر از چيزهاي خوبي مي دهد و تحليلگران را به مداقّه مي طلبد. البته نمونه هاي برجسته اي از اين قبيل، در همه جا هست و در مورد مشهد، اين برجستگي ويژه وجود داشت كه اشاره شد.
اگر كسي با گزارشهاي كشور به قدر ما آشنا باشد، خواهد ديد همان طور كه در آن پيام عرض شد، سال گذشته سال پركار و پرباري بوده است. حقيقتاً در سرتاسر كشور در طول سال 1374، هزاران شعله كار بزرگ و باارزش - در زمينه هاي علمي، اخلاقي و معنوي،در زمينه آباد كردن و ساختن كشور، احياي ارزشهاي انقلاب، رفع ويرانيهاي بازمانده از دوران جنگ يا رژيم ستمشاهي - انجام شده است، يا در حال انجام بوده است كه امسال يا سالهاي بعد به پايان

خواهد رسيد. حقيقتاً حركت عظيمي در كشور - در زمينه كار، تلاش، پيشرفت، افزايش ثروت عمومي كشور و آباداني‌هاي گوناگون - آغاز شده است.
حقيقتاً اگر كسي بخواهد اين كشور را با كشورهاي آباد ديگر مقايسه كند، خواهد ديد كه جمهوري اسلامي از اين جهت براي ملت بزرگ ايران، يک دوره پرافتخاري را به ارمغان آورده است. جهات معنوي، مسائل سياسي و استقلال و آزادي در جاي خود محفوظ ؛ از جهت سازندگي كشور، آنچه كه براي اين ملت انجام شده و در حال انجام است، مايه افتخار است.
بعضي كسان در دنيا درس مي گيرند و از الگوي ايراني پيروي مي كنند. بعضي كسان ملت ايران را تحسين مي كنند و بعضي كسان به ملت ايران حسد مي ورزند و دشمني مي كنند. البته بعضي كسان هم از حقايق ايران خبري ندارند ؛ تقصيري هم ندارند. تا وقتي كه قلم در دست دشمن باشد و هر چه به قلمشان مي آيد عليه ملت ايران بنويسند و هر چه به دهانشان مي آيد بگويند، نمي شود گله كرد فلان انسان كه اهل كشور عربي، آفريقايي يا اروپايي است، چرا از وضع ايران خبر ندارد؟ البته ما به قدر توسعه تبليغات خودمان و رسانه ها تبليغ مي كنيم ؛ اما شمول تبليغات دشمن بيشتر است و دهها راديو، صدها روزنامه و مطبوعات عليه جمهوري اسلامي مي نويسند.
خوب ؛ بنويسند، اهميتي ندارد. آنچه اهميت دارد، اراده و توكل اين ملت و تدبير مسؤولان كشور است ؛ همان كساني كه بايد براي اين ملت برنامه ريزي كنند، نقشه بكشند و ثروت ملت را حفظ نمايند. اينها مهمّ است. وقتي كه اين كارها انجام شد، دشمن هر چه مي خواهد بگويد، بنويسد، فحّاشي كند. اينها مانع پيشرفت ما نمي شود.
بر خلاف بعضي افراد كه به مجرد اين كه از گوشه دنيا، يک روزنامه، يک مقاله، يک نويسنده يا سياستمداري عليه جمهوري اسلامي حرفي مي زند، دستپاچه، ناراحت، متوحّش و عصباني مي شوند، من مي گويم هر چه كه مي خواهند بگويند، بگويند. وقتي كه يک ملت، خودش و راهش را مي شناسد، تصميمش را گرفته است و اراده قوي دارد، دشمنان هر چه مي خواهند بگويند. حتّي وقتي معلوم است آنچه كه دشمن مي گويد و مي كند، از روي دشمني است، اراده اين ملت را قويتر، پايش را استوارتر، توكّلش را به خدا بيشتر، اميدش را درخشانتر و آينده اش را به فضل پروردگار بهتر از امروز خواهد كرد.
اين، ملت است با اين اراده و اين ايمان و اين تصميم. آن هم بحمداللّه دولت است كه با خدمتگزاري و با دلسوزي خود، كارها را با جدّيت دنبال مي كند. توليد مي كند، تجارت مي كند. مي سازد، صادر و وارد مي كند. بحمداللّه در همه زمينه ها - فرهنگ، اقتصاد و ... - مشغول كارند.
البته من يک نگراني مختصري دارم - كه مربوط به امروز هم نيست ؛ سالهاست كه اين نگراني را دارم - و آن اين است كه بايد اقتصاد و ملت ايران از نفت جدا شود. اين مسأله را اخيراً به دولت خدمتگزار ابلاغ كرده ايم كه برايش برنامه ريزي كند و در حال برنامه ريزي است و كارهايي هم انجام داده است. ما بايد كاري كنيم كه ملت و دولت ايران، وابسته به نفت خود نباشند. چون متاسّفانه، امروز در دنيا نفت به سياستهاي بين المللي، كمپانيها و غارتگران بزرگ و جهانخوران و مستكبران وابسته است. در حقيقت، نفت در مشت آنهاست. هر گاه بخواهند، قيمتش را پايين مي آورند، توليد را كم يا زياد دور مي كنند، يكي را از دور خارج يا وارد دورْ مي كنند! نفت مال ماست ؛ اما سياستش در دست ديگران است! چنين سرمايه اي مايه دردسر است.
البته دولت ما امروز حدّاكثر استفاده را از نفت مي كند و بايد هم بكند. اما بايد كاري كند كه بتواند روزي به دنيا اعلام نمايد كه از امروز تا شش ماه ديگر، تا يک سال يا چهل روز ديگر، مي خواهيم در چاههاي نفت را ببندم. مي خواهم يک قطره نفت صادر نكنم. دولت بايد بتواند تصميم بگيرد. بايد به نفت احتياج نداشته باشد.
ما ثروت، منابع طبيعي و توليدات داخلي زياد داريم. امكانات توليد ثروت در داخل كشور، خيلي زياد است. روزي به خاطر جنگ، اين كارها عملي نبود، ولي بحمداللّه امروز عملي است. بايد هم انجام گيرد و انجام دهند. دولت هم اين كار را مي كند، بايد هم بكند. ما هم اخيراً اعلام و ابلاغ كرده ايم كه اين كار شروع شود و مقدّمات كار، در حال انجام است. ممكن است اين طرح در مدت يک سال، دو سال، سه سال يا پنج سال نتيجه بدهد. اگر به فضل پروردگار، چنين شود، بسياري از مشكلات اين كشور كاهش پيدا خواهد كرد. البته به شرط اين كه همه ملت ؛ همه كساني

كه بازوي توانا، فكر و قلم فعّال، زبان گويا و دل بيدار دارند، پشت در پشت، با همين وحدتي كه امروز در ميان اين ملت است، تلاش كنند و نگذارند مردم تقسيم شوند.
براي اين ملت، وحدت، از همه چيز واجبتر است. اتّحاد و اتّفاق، اين ملت را در بحرانهاي سخت نجات داده است. بحمداللّه امروز ما بحراني هم نداريم. مشكل بزرگ و فوق العاده اي نداريم. اما به اتّحاد هم، كمال نياز و احتياج را داريم. همه بايد در حرفها و تبليغات انتخاباتشان، قبل و بعد از آن، در مجلس و در جاهاي ديگر، حرفي نزنند كه مردم، مابين خودشان احساس دوگانگي كنند و بين مردم اختلاف به وجود آيد. خداي ناخواسته، اگر اختلافي به وجود آيد، اين ملت شُل خواهد شد. علّت اين كه ما توانسته ايم تا به حال محكم بايستيم، همين اتّحاد و اتفاق شماست. هر چه بيشتر و محكمتر باشد، ما نيز در مقابل دشمنان شما مي توانيم محكمتر بايستيم.
و اما در مورد دشمنان و مسائل خارجي، مطلبي را براي شما مردم عزيز، به طور كوتاه بيان مي كنم. در زمينه مسائل جهاني، جمهوري اسلامي به همكاري بين المللي معتقد است. ما معتقديم در دنيا هم اگر ميان انسانهاي خيرخواه وحدتي وجود داشته باشد، كار دنيا اصلاح خواهد شد. منتها اين كار در دنيا، خيلي مشكل است. لذا ما در عرصه بين الملل دو نوع كار داريم. يک كار اصلي، كه عبارت است از همكاريهاي بين المللي - همكاري با ملتها، با دولتها و تلاشهاي مشترک - و يک كار اضطراري، كه همان مبارزه است.
بله ؛ ما در صحنه بين المللي مجبوريم با دشمنان اين ملت مبارزه كنيم. اي كاش اين ملت هيچ دشمني نداشت و ما هم مجبور نبوديم با او مبارزه كنيم ؛ اما اين ملت، دشمنان لجوج، عنود، خبيث، رذل، فريبگر، دروغگو و خطرناكي دارد. بايد با آنها مبارزه كرد. در زمينه مبارزه بين المللي نيز، ما دو گونه دشمن داريم. يكي دشمنان اصلي، كه مبارزه ما با آنهاست و ديگري دشمنان غير اصلي. ما با آنها مبارزه نمي كنيم، بلكه سعي مي كنيم با آنها تفاهم نماييم ؛ آنها را از اشتباه خارج و از دشمني منصرف كنيم. اين مربوط به دشمنان درجه دو است. حتّي در مواردي نمي شود به آنها دشمن گفت. عمده، دشمنان اصلي هستند.
دشمن اصلي براي جمهوري اسلامي كيست؟ امروز دشمن اصلي ما در دنيا، صهيونيست و استكبار است. اصل قضيه در دشمني با اسلام و نظام جمهوري اسلامي و ملت ايران، صهيونيست و استكبار است.
اگر بخواهيم استكبار را درست ترجمه كنيم، امروز با دولت متجاوز و مستكبر و ياغي و گردنكش آمريكا تطبيق مي كند. امروز عمده مستكبرين عالم آنها هستند. داستان استكبار براي همه ملتها، داستان تلخي است. استكبار، يعني در دنيا قدرتي هست كه به منافع ملتها و به خواست انسانها، توجّهي نمي كند. به مفاهيم ارزشي انساني هيچ اعتنايي نمي كند. براي او فقط يک چيز اهميت دارد و آن خود اوست ؛ آن هم با روحيه تكبّر، افزون خواهي و زورگويي! آن هم با زبان زور، با خشونت، با شدّت، با بي رحمي و سفّاكي! امروز آمريكا چنين وضعي دارد.
البته پليدتر از آمريكا، دولت صهيونيست، در فلسطين اشغالي است. چرا؟ چون بالاخره دولت آمريكا، يک دولت و متّكي به يک ملت است. در صورتي كه اساساً دولت غاصب صهيونيستي، متّكي بر يک ملت نيست! ملت ساكن آن مناطق، ملتي است كه امروز آواره است! اسراييل، از اوّل با ظلم و آدمكشي، با دروغ و فريب به وجود آمده است. در آن روز يک عدّه افراد زورگو و متجاوز، با پشتيباني دولت انگليس به منطقه فلسطين آمدند. اهالي آن منطقه را بيرون كردند و فرزندان و بازماندگان آنها - بيش از يک ميليون نفر - هنوز هم در زير چادرها و در شرايط اردوگاهي زندگي مي كنند! زير چادر، يا چيزي شبيه چادر، در كوخها زندگي مي كنند! مردم فلسطين، در خارج از فلسطين، با حال كوخ نشيني و اردوگاه نشيني زندگي مي كنند. خانه هاي آنها و وطن آنها در اختيار كساني است كه از اروپا، از استراليا، از آمريكا، از آسيا و از آفريقا به آن جا رفته اند و يک ملت جعلي و دروغين به وجود آورده اند و در آن جا به نام يک ملت، زندگي مي كنند و دولتي هم دارند! اساساً چنين ملتي، وجود و هويّتي ندارد.
گناه جمهوري اسلامي اين است كه اين حرف را مي زند! جمهوري اسلامي بر خلاف دولتهاي ديگر كه از ترس يا با تطميع امريكا همين حرف حق را كتمان كرده و پوشيده داشتند، اين حرف را به صراحت مي زند و مي گويد حق، حقّ است و باطل، باطل است. ما نمي توانيم انكار كنيم كه ملت فلسطين وجود داشته، ولي امروز آواره است. نمي توانيم انكار كنيم كه سرزمين فلسطين، از مردم فلسطين غصب شده است ؛ آن هم نه با يک روش ظاهرا با نزاكت،

بلكه با كشتار و آدمكشي و فريب و دروغ و اعمال زور و سفّاكي و قتل عام. دولت اسراييل با قتل عام و غدر و فريب و سفّاكي و لگدزدن به ارزشهاي انساني به وجود آمد. حقوق يک ملت در مقابل پاي مهاجرين صهيونيست كه وارد فلسطين اشغالي شدند، قرباني شد. در طول قريب پنجاه سالي كه از عمر اين دولت جعلي مي گذرد، دائماً سركوب و قتل نفس و دروغ و فريب و تجاوز و حمله به انسانها و بيگناهان، مايه حيات و تداوم زندگي آن بوده است.
اسراييل اين است ؛ آن وقت رئيس جمهور امريكا - كه واقعا انسان تعجّب مي كند - خجالت نمي كشد و روز روشن در مقابل افكار عمومي دنيا مي ايستد و با صداي بلند مي گويد كه ما مي خواهيم براي جلوگيري از تروريسم، با اسراييل همكاري كنيم! واقعا انسان تعجّب مي كند كه اسم اين موضعگيري چيست؟ اين، اسمش غفلت و بي انصافي و استكبار و زورگويي است. معناي اين حرف چيست؟ الان هم خطرناكترين و پليدترين تروريستهاي عالم، همين كساني هستند كه در رأس قدرت كشور فلسطين اشغال شده مظلوم قرار دارند. شما مي خواهيد در مقابل تروريسم و تروريستها با اينها همكاري كنيد؟! كدام تروريستها؟ آن كساني كه از وطن خود آواره شده اند و بعد از سالهاي متمادي، در اثر فشارها به جان آمده اند و دستي از آستين در مي آورند و مشتي گره مي كنند و فرياد مي كشند تروريستند؟!
ما اين حقايق را مي گوييم. ما اين حقايق را مكتوم نگه نمي داريم. ما گناه دانسته ايم كه اين روشنترين حقايق را در اين دنيا كتمان كنيم ؛ براي اين كه امريكا خوشش بيايد. اشخاص بسياري در سطح دنيا - كساني كه با ما در ارتباط تجاري يا سياسي هستند- محرمانه به ماموران و كسان ما مي گويند: علت دشمني امريكا با شما، عبارت از همين مسأله خاورميانه و قضيه اسراييل است. مي گويند چرا شما مخالفت مي كنيد؟ صريحاً مي گويند كه اين قضيه حقوق بشر و محاكمات آن چناني و حقوق زن و از اين حرفهايي كه عليه جمهوري اسلامي، در رسانه هاي امريكايي و صهيونيستي گفته مي شود، همه اش حرف است. ما خودمان مي دانستيم كه اين حرف است ؛ اما حالا آنها هم اين را اقرار مي كنند.
من هميشه به كساني كه احساس ضعف مي كردند، مي گفتم: چرا شما فريب تبليغات را بخوريد؟ چرا بايد خيال كنيد كه وقتي امريكا از حقوق بشر مي گويد، واقعاً نگران ضايع شدن حقوق بشر در ايران است؟ آنها براي بشر دل نمي سوزانند. آنها خودشان بزرگترين نقض كنندگان حقوق بشرند. آنها كساني هستند كه در روز روشن، هشتاد نفر آدم را در يكي از شهرهاي امريكا، زنده زنده، در يک خانه سوزاندند و خم به ابروشان نيامد. آنها به بشر و حقوق بشر چه كار دارند؟ حقوق بشر را چه مي شناسند؟
مسأله آنها در جاي ديگر است. دردشان از جاي ديگر است. آنها مي گويند شما چرا با اسراييل كنار نمي آييد و مثل ديگران، حكم قتل ملت فلسطين را امضاء نمي كنيد؟! حرفشان اين است. من هميشه اين موضوع را به همه مي گفتم. حالا خود آنها اعتراف مي كنند و به ما مي گويند كه فشارهاي امريكا و محاصره اقتصادي و تبليغات خصمانه و رذالت آميز عناصري از دستگاه قانونگذاري و اجرايي امريكا عليه جمهوري اسلامي، همه و همه به قضيه اسراييل مربوط است. مي گويند شما چرا صلح خاورميانه را قبول نداريد؟ چرا مي گوييد اين صلح نيست و سازش گرگ و ميش است؟ چرا نمي آييد اين سازش را امضاء كنيد؟ آنها حكم قتل فلسطينيها را از ما مي خواهند! قضيه اين است.
پس، امروز در رأس دشمنان خارجي اين ملت - كه مبارزه اصلي سياسي خارجي ما در دنيا با اوست - رژيم فاسدِ غاصبِ خبيثِ صهيونيستِ حاكم بر فلسطين اشغالي و پشت سر او، رژيم ايالات متّحده امريكاست. ايالات متحده امريكا با آن عرض و طول و با آن پيشرفتهاي علمي و يک كشور و ملت بزرگ، بازيچه دست صهيونيستها شده است ؛ مثل غولي كه افسارش دست يک سگ است و هر جا مي خواهد، او را مي برد! امروز، دولت امريكا با آن حجم ثروت و سابقه و اهميتي كه از لحاظ سياسي و اقتصادي و نظامي براي خودش در دنيا قائل شده است، بازيچه دست صهيونيستها و دولت اسراييل شده است.وقتي رئيس جمهور امريكا، عليه جمهوري اسلامي، تصميمي اتّخاذ مي كند، به مجمع صهيونيستهاي امريكا مي رود و در آن جا گزارشش را مي دهد و در دنيا پخش مي شود. اين، براي ملت امريكا ننگ است.

اينها دشمنان اصلي ما هستند. البته در گوشه و كنار دنيا، باز هم عليه ما دشمني و خباثت مي شود، اما اينها آن اهميت چنداني ندارد و مسأله اصلي نيست. همين قضاياي اخير دستگاه قضايي آلمان كه يک حركت بسيار زشت و نفرت انگيزي را به خاطر صهيونيستها انجام دادند، از اين نوع است. البته دولت آلمان خودش را كنار مي كشد و مي گويد به دستگاه قضايي كشورش مربوط است. هم ما مي دانيم و هم آنها مي دانند كه اين طور نيست كه دولت آلمان، تسلّطي بر دستگاه قضايي كشورش نداشته باشد. جاهايي را خود ما مطلعيم كه اعمال نفوذ كرده اند. در حقيقت فشار صهيونيستها به دولت آلمان و دستگاه قضايي آن كشور است. اما اهميتي ندارد. اينها كارهايي است كه بايد دولت ما و وزارت امور خارجه خود ما حلّ و فصل كنند كه بحمداللّه به خوبي مشغول خدمتند و كار مي كنند و حلّ و فصل هم خواهند كرد. اينها چيزي نيست كه به عنوان يک مسأله براي ملت محسوب شود. آنچه كه براي ملت مهم است، همان نكته اي است كه اشاره كردم ؛ يعني مسأله امريكا و اسراييل. اساس مسأله اين است. ملت عزيز ايران! حرفي كه من به عنوان جمعبندي هفده سال انقلاب پيروزمندِ سربلندِ نظام جمهوري اسلامي و به عنوان جمعبندي نظرات امام راحلمان و نظرات اين مردم، مي توانم مطرح كنم، يک كلمه است و آن اين است كه هر دولت و جمعيت و ملت و شخصي در دنيا خيال كند كه مي تواند با زور و تهديد، ملت ايران را تحت تاثير قرار دهد، سخت در اشتباه است. اين ملت، با هشت سال مقاومت جوانمردانه خود در جنگ تحميلي ؛ با هفده سال ايستادگي در مقابل تهديدها و خباثتهاي استكبار و دشمنان، حداقل اين مسأله را به همه دنيا ثابت كرده است كه ملتي نيست كه با زور و تهديد بشود او را به راهي كشاند، يا از راهي برگرداند.اين مادران را ببينيد! اين شيرزناني كه فرزندان خود را در راه خدا، به جبهه هاي جنگ فرستادند - مثل كسي كه به حجله عروسي مي فرستد - و خم به ابرو نياوردند. ببينيد اين ملت مبارز را! ببينيد ملت ايران، در طول اين هفده سال، از چه پيچهاي خطرناكي گذشته است! در اوّل انقلاب، تهديدهاي گوناگون دشمنان داخلي، ليبرالها، مخالفين با امام و ولايت، مخالفين با اسم اسلام براي اين جمهوري و مخالفين با اسم اسلام براي مجلس شوراي اسلامي را ديديد!؟ در دروه اوّل، امام بزرگوار ما، در نامه اي كه به مجلس شوراي اسلامي نوشتند، كلمه اسلام را در مجلس آوردند كه بسيار كار زيركانه اي بود. امام رحمةاللّه عليه هم هوشمند و زيرک بود، و هم با تجربه. امام تجربه داشت و مي دانست كه اگر اسم اسلام، با نام مجلس شورا در اوّل مشروطيت هم، همراه مي شد - مشروطيتي كه با خون ملت و با نام اسلام و با رهبري علماي دين به وجود آمده بود - شصت سال از اسلام دور نمي افتاد! امام اين موضوع را مي دانست. در نامه نوشت «مجلس شوراي اسلامي». لذا نمايندگان مجلس گفتند بايد اين موضوع، قانوني و رسمي شود. بايستي اسم مجلس شوراي اسلامي به صورت قانون در آيد. در همان مجلس كه نمايندگانش به وسيله همين مردم مؤمن و انقلابي انتخاب شده بودند، كساني بودند كه مي گفتند اسم اسلامي چيست؟!

عجيب بود. ما باورمان نمي آمد كه ممكن است بعد از پيروزي انقلاب - در حالي كه هنوز يک سال و نيم يا دو سال از پيروزي انقلاب نگذشته است - كساني پيدا شوند كه با اسم اسلام بر روي مجلس شورا، مخالفت كنند! اما كردند! اين كه ما مرتب مي گوييم مواظب باشيد كه چه كسي را به مجلس شوراي اسلامي مي فرستيد، به خاطر اين است كه كساني را بفرستيد كه فدايي اسلام باشند. بدانند كه فقط اسلام درد اين كشور و ملت را درمان خواهد كرد و بس. كساني را بفرستيد كه تجربه داشته باشند و گول نخورند. با نام ليبرالي و تحت عنوان آزادي نخواهند پايه تفكر اسلامي را در اين كشور بلرزانند و سست كنند. بايد اين نوع افراد به مجلس شوراي اسلامي بروند. اينها مي توانند در مقابل دشمنان سينه سپر كنند و از شما دفاع نمايند.

ملت ايران، به خاطر اين كه در طول هفده سال، اين همه رنجهاي گوناگون را ديده است، محكم ايستاده و تكان نخورده و راه خدا و اسلام را پيش رفته است. امروز هم به فضل پروردگار، از روز پيروزي انقلاب، نه كه هفده سال، بلكه دهها سال جلو هستيم. ما در طول اين هفده سال، راهي طولاني را طي كرده ايم. روزي كه اين ملت، به وسيله انقلاب شكوهمند شما مردم از چنگ مزدوران بيگانه - يعني از چنگ خاندان پهلوي و نظاميها و مزدورانشان - خارج شد، در واقع يک ظاهر بي باطن و يک قالب و هيكل پوچ بود. ثروتهايش را نابود كرده بودند. زراعت آن را از بين برده بودند. صنعتش را صددرصد وابسته به وجود آورده بودند. كار سازنده را به ميزان نزديک به صفر رسانده بودند. معنويّات

و اخلاق را هم به كلّي ضايع كرده بودند. آنچه كه مي بينيد، در طول اين هفده سال به همّت شما مردم و و باقدرت مسؤولان دلسوز و با وجود همه موانع و مشكلات به وجود آمده است و امروز دشمنان خارجي مي بينند و حسد مي برند و ناراحت مي شوند. چاره اي هم ندارند!
علي رغم ميل دشمنان خارجي و علي رغم ميل امريكا و اسراييل و آنهايي كه نمي توانند پيشرفت اين ملت را ببينند و مي خواهند ايران منزوي باشد، ما - به فضل پروردگار - ارتباطمان را در سطح جهان گسترش خواهيم داد. اگر كساني هم تحت تأثير امريكا قرار گيرند و بخواهند با جمهوري اسلامي دشمني كنند، ما باكي نداريم.
اين ملت، بحمداللّه مي تواند روي پاي خود بايستد. در طول اين هفده سال، بارها از طرف دولتهايي تهديد به قطع رابطه شده است. در قضاياي مختلفي، كشورهاي اروپايي سفراي خود را دستجمعي از ايران خارج كردند، به خيالي كه حالا زمين به زمان خواهد خورد و آسمان به زمين خواهد آمد و همه چيز به هم خواهد ريخت! اما ديدند كه آب از آب تكان نخورد. لابد دولتهاي اروپايي اين واقعه را يادشان است. اميدواريم كه يادشان باشد و اشتباه نكنند. يک روز، همه سفراي اروپايي از تهران خارج شدند و وانمود كردند كه ما با شما قهريم! جمهوري اسلامي گفت: برويد به سلامت! بعد از مدتي كه گذشت، ديدند كه جمهوري اسلامي، هيچ احتياجي به آنها ابراز نمي كند و هيچ نيازي به آنها ندارد. بحمداللّه، آنها بنابر احتياج خودشان، شروع به برگشتن كردند!
هميشه همين طور است. مهم اين است كه اين ملت، قدر خود را بداند. مهم اين است كه مسؤولان اين كشور، قدر اين ملت را بدانند و مي دانند. هر كسي در هر بخشي فعّاليت مي كند، بايد بداند كه اين ملت، ملتي بزرگ و قدرتمند و با ايمان و شكست ناپذير است. مادامي كه در ميان خود، اتّحاد كلمه و توكل به خدا را حفظ كنيد، دنيا نمي تواند بر شما فائق و پيروز شود.
پروردگارا! رحمت و فضل و لطف بي پايان خود را مثل باران فرو ريزنده، بر اين ملت نازل كن. پروردگارا! امام بزرگوار را - كه اين راه را به ما نشان داد - در اعلي درجات عليّين، با اوليايت محشور كن. پروردگارا! درجات شهداي عزيز ما را كه با خون خود، اين راه را باز كردند و اين جاده را كوبيدند، روز به روز عاليتر كن. پروردگارا! جانبازان و ايثارگران و آزادگان و رزمندگان و نيروهاي مؤمن و حزب اللّهي و بسيجي را كه كمر بسته اين راه هستند، مشمول هدايت و فضل و لطف خود قرار بده. هر كس براي اين ملت كار و تلاش مي كند، لطف و رحمت خود را بر او نازل كن.
پروردگارا! قلب مقدّس ولي عصر را از ما راضي و خشنود فرما.ما را در حضور و غيبتش، جزو سربازان آن بزرگوار قرار بده. پروردگارا! دوستي دوستان خدا و دشمني دشمنان او را در دلهاي ما بيشتر كن. همه دستهايي را كه براي اين ملت كار و تلاش مي كنند، محكم و مستحكم و مشمول بركات خود قرار بده. پروردگارا! آنچه كه گفتيم و شنيديم، براي خودت و در راهت قرار بده و آن را از ما قبول فرما.
والسّلام عليكم و رحمة اللّه و بركاته